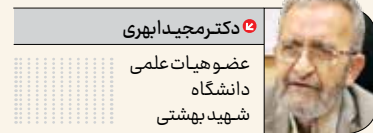


مهارت‌هایی که در مدرسه نمی‌آموزیم!



دکتر مجید ابهری

عضو هیات علمی
دانشگاه
شهید بهشتی

تا چشم به هم بزنیم از محیط درس و مشق جدا شده و دانشگاه دالان ورود ما به جامعه می‌شود. حرفه‌آموزی ما را به سوی واقعیات برده و کم‌کم زندگی را به ما می‌آموزد. پیداشدن موهایی سفید بر سر و چین و چروک بر صورت، ورزش نسیم پاییزی را به ما یادآوری می‌کند. با اندک جابه‌جایی، خانواده محاصرمان کرده و زنگ بارش رحمت را گزارش می‌دهد. با اندکی دقت به این نتیجه می‌رسیم که در هر قسمت از زندگی علاوه بر روندی نوظهور در ترقی و رشد یا شکست و تلخکامی، کلاس جدیدی از رفتار را آغاز می‌کنیم. گاهی کوچک‌ترین اخم خشمگین‌مان ساخته و به واکنش‌های شدید و آوارمان می‌سازد. بایک بررسی نظری و محاسبه سرانگشتی می‌توان نتیجه گرفت اکثریت غالب جرایم چه در مسیرهای مالی و چه در راستای جنایی، ناشی از ضعف تربیت و فقدان مدیریت رفتاری ما انسان هاست. والدین به عنوان اولین مربیان تربیتی و نخستین الگوهای رفتاری، معمار اصلی تربیت و رفتار ما هستند. هرگونه کاستی در مصالح تربیتی ما اعم از گفتار و رفتار، بنای رشد شخصیت ما را به تاخیر می‌اندازند. نشستن و برخاست، خوردن و آشامیدن اجزای تربیتی ما بوده و ریتم رشد یا توقف آن را تنظیم می‌کند. از بدو ورود به جامعه بیرون از خانه بازی به عنوان شغل و حرفه ما و اسباب بازی اعم تفکیک جنسیتی به عنوان ابزار کار ما تا حدود قابل توجهی نشانگر قریحه و ذوق هنری ما خواهد بود. پیمان‌های مشترک دوستی در دوران سنی مختلف می‌توانند نشان دهنده نقاط مشترک فکری ما یا وجه تمایز و تفکیک سلیاق ما باشند. گام بعدی فصل ورود به مدرسه و آغاز کسب دانش ما خواهد بود. دوستان جدید و آموزگاران تازه در محیطی فرا خانه، ما را احاطه کرده و گام به گام با ما می‌برند. گاهی به خاطر جای پارک خودرو مرتکب قتل شده و در کنار بستن دفتر حیات یک انسان دیگر، ناباورانه به سوی مرگ گام برمی‌داریم. چرا؟ غیر از ضعف ارکان تربیتی و فقدان مهارت‌های زندگی چه عواملی تا این اندازه در سرنوشت و مرگ و زندگی ما دخیل است. کاش به جای مباحث بدون ضرورت و درس‌های دور از نیاز، گفتمان‌های اساسی به فرزندان آموخته شود. انبوه زندانیان که نگهداری از آنها هزینه‌های هنگفتی به جامعه تحمیل می‌کند. آسیب‌هایی که از غیبت سرپرست خانواده چه پدر و چه مادر به بقیه وارد می‌شود؛ گاهی قابل ارزیابی نیستند. زمانی تبسمی ساده و آرام ما را به شادترین خنده‌ها و آوازی می‌سازد. گاهی کوچک‌ترین کم‌توجهی، به خشم و فریاد و آوارمان می‌کند. چرانهادهای آموزشی و تربیتی به فکر آموزش مهارت‌های زندگی در سطوح مختلف نیستند؟ به عنوان یک معلم که ۴۰ سال از عمر خود را صرف پژوهش و تعلیم کرده‌ام صادقانه می‌گویم که ظاهراً خیلی‌ها بسیاری از مفاهیم را فراموش کرده‌ایم. بیایید یک بار دلسوزانه مفاهیم لازم را مرور کنیم و ببینیم که مرگ و قیامت چندان دور نیستند.

دُرنگ



نگاهی به یک روش تربیتی کارآمد

تربیت به کمک داستان در خانه و مراکز آموزشی

امیرعلوی

چاردیواری

برخی والدین در مواجهه با نارسایی‌های رفتاری فرزندان خود دچار هراس می‌شوند. علت این هراس، در درجه نخست، عشق به فرزند است. توجه والدین به تربیت مناسب فرزند و نگرانی از نارسایی‌های رفتاری او سبب می‌شود بسیاری از آنها روش‌های علمی تربیت را جست‌وجو کنند و از آنها آگاهی یابند. تربیت را باید آموخت و تنها قسمتی از آن از طریق تجربه و غریزه حاصل می‌شود. به همین دلیل بهتر است روش‌های تربیت را از طریق افراد متخصص و کتاب‌های تخصصی یاد گرفت. کتاب تربیت به کمک داستان در خانه و مراکز آموزشی و تربیتی نوشته حسن دولت‌آبادی، راهکارهایی را به والدین ارائه می‌دهد تا فرزندان را به کمک بازی درمانی و نمایش درمانی تربیت کنند. هدف این کتاب آن است که ضمن پرداختن به برخی نیازهای والدین و فرزندان، چگونگی بهره‌گیری از امکان بسیار مهمی چون داستان را برای تربیت فرزندان بررسی کند. در این کتاب تنها به روش‌های تربیتی پرداخته نشده، بلکه تلاشی است تا پدر و مادر نسبت به حساسیت موضوع و توانایی‌های شان آگاه شوند و بر عملی بودن تربیت تأکید می‌کند.

برشی از کتاب



در این کتاب از شما در مقام والد یا مربی خواسته شده با شناختی که از خود، خانواده و فرزندان دارید الگوهای رفتاری مناسب را برگزینید و در مسیر اهداف تربیتی یاد شده اقدام کنید. یک نکته قطعی است و آن این‌که اقدامات شما باید بر روش‌های علمی استوار باشد. اگر شما با آگاهی به این عرصه وارد نشوید و به تربیت خود به خودی و بدون برنامه فرزندان را امیدوار باشید، مانند معماری می‌مانید که بدون داشتن طرح و نقشه، دیوار را می‌چیند. ممکن است برخی از این گونه دیوارها در بنای نهایی به کار آید اما بدون تردید بسیاری از آنها تخریب خواهد شد.

به جای آنکه فقط از کلام استفاده کنید، از داستان، نمایش، بازی‌های آموزشی و تدابیر متنوع دیگر بهره بگیرید. یکی از امتیازهای این روش‌ها ایجاد فرصت برای اظهار نظر کودکان و مشارکت ایشان در فعالیت‌های مورد نظر است.

این کتاب برای والدین و مربیان مدارس و مهدکودک‌ها بسیار مفید و کارآمد است.

در بخشی از کتاب تربیت به کمک داستان در خانه و مراکز آموزشی و تربیتی می‌خوانیم: بسیاری از کودکان حتی نمی‌دانند کاری که انجام می‌دهند، بد است. باید به آنها آموخت که چه کاری بد و چه کاری خوب است. پس، آنچه را فرزند شما نمی‌داند به او آموزش دهید. کودکی که معنی یک کلمه بد را نمی‌داند و آن را بر زبان می‌آورد، مستوجب تنبیه نیست. باید با گفتن جمله‌ای مانند «گفتن این کلمه بد است» به او آگاهی داد. در چنین شرایطی بهتر است کلمه جایگزین مناسبی را با همان وزن و آهنگ یافت و به او معرفی کرد. اما اگر کودک معنی آن کلمه را می‌داند و آن را بر زبان می‌آورد باید با آرامش و جدیت به او گفت: «این نوع سخن گفتن تو را نمی‌پسندم. مطمئن می‌توانی جمله مناسب و بهتری به کار ببری.» در صورت اصرار به تکرار این رفتار، بهتر است او را مثلاً جریمه نقدی کرد و بخشی از پولش را از او گرفت. کودکان گاه به یک دیگر لقب‌های نامناسب می‌دهند. آنها معمولاً بدون آنکه معنی کلمات بد را بدانند یا از زشتی رفتار خود آگاه باشند، چنین می‌کنند. می‌توان با کمی دقت در عملکرد آنها نمونه یا نمونه‌هایی از اشتباه را یافت و درصدد رفع مشکل برآمد. تجربه شخصی من نیز مؤید همین نکته است. زمانی که پسرم خردسال بود، هنگام بازی کردن به خواهرش گفت: «پدرسگ.» از آنجا که این عملش برایم نازکی داشت، او را فراخواندم و با مهربانی پرسیدم: «آیا معنی پدرسگ را می‌دانی؟» پاسخ او منفی بود. گفتم: «پدرسگ یعنی اینکه پدر تو، یعنی من، سگ است.» بعد پرسیدم: «آیا من سگ هستم؟» گفت: «نه.» گفتم: «آیا خواهرت سگ است؟» پاسخ او همچنان منفی بود. سپس برایش توضیح دادم که به کار بردن این کلمات خوب نیست. او هم پذیرفت که دیگر چنین نکند. امروز نیز کلماتی مانند این، در گفت‌وگوی فرزندم جایی ندارد.

مقامات انسانی

انسان خودش اسیر خودش می‌شود، خودش برده و بنده خودش می‌شود. انسان دو مقام یاد و درجه دارد: درجه دانی، درجه حیوانی و درجه عالی، درجه انسانی. پیغمبران آمده‌اند که آزادی معنوی بشر را حفظ کنند، یعنی نگذارند شرافت انسان، انسانیت انسان، عقل و وجدان انسان، اسیر شهوت یا خشم یا منفعت طلبی انسان بشود. این معنی آزادی معنوی است. هر وقت شما دیدید بر خشم خودتان مسلط هستید نه خشم شما بر شما مسلط است، شما آزادید. هر وقت دیدید شما بر شهوت خودتان مسلط هستید نه شهوت شما بر شما، هر وقت شما دیدید یک درآمد غیرمشروع در مقابل شما قرار گرفت و این نفس شما اشتیاق دارد و می‌گوید این درآمد را بگیر اما ایمان و وجدان و عقل شما حکم می‌کند که این نامشروع است، نگیر و بر این میل نفسانی خودتان غالب شدید، بدانید شما از نظر معنوی واقعا انسان آزادی هستید... شما آزاد مرد هستید اما اگر دیدید تا چشم یک چیزی را می‌خواهد می‌دوید دنبالش، گوش یک چیزی را می‌خواهد می‌دوید دنبالش، دامن یک چیزی را می‌خواهد می‌دوید دنبالش، شکم یک چیزی را می‌خواهد می‌دوید دنبالش، شما اسیرید، برده و بنده هستید.

برگرفته از کتاب آزادی‌های معنوی / استاد شهید مرتضی مطهری



دستورالعمل مرحوم قاضی درباره ورود ماه‌های رجب، شعبان و رمضان



مرحوم قاضی می‌فرمودند: انسان باید به خدا پناه ببرد و خداوند خیلی کمک‌کننده و خیرالمعین و پسندیده و اختیارکننده است اما دستورالعمل این سه ماه: علیکم بالفرائض فی أحسن أوقاتها! دستورالعمل آن است که نمازهای واجب را در بهترین اوقات خودش انجام دهید همراه نوافل آن! (که مجموعاً پنج رکعت و یک رکعت می‌شود، اگر نتوانستید چهل و چهار رکعت) و اگر شواغل دنیا شما را منع کردند، صلاة أوابین را که همان نماز ظهر است، ترک نکنید، چون خیلی اهمیت دارد! خصوصاً نماز ظهر خیلی اهمیت دارد و آن به واسطه وقت آن و خصوصیت و موقعیت آن در میان اوقات دیگر است! و «صلاة وسطی» را که در قرآن آمده، تفسیر به نماز ظهر کرده‌اند و «صلاة اوابین» یعنی آنها که خیلی توجه به پروردگار دارند، یعنی رجوع‌کنندگان به خدا؛ زیرا رجوع‌کنندگان به خدا به آن تمسک می‌کنند. نوافل شب را هیچ چاره‌ای نیست، مگر آنکه آنها را به جا آورید، نه خیال کنید نماز شب ساقط است و آن سد سکندری است که هیچ شکسته نمی‌شود! عجب از کسانی که قصد دارند دنبال کنند مرتبه‌ای از کمال را در حالی که شب هاقیام نمی‌کنند؛ مانند ما که کسی به مرتبه‌ای از کمال برسد، مگر به قیام شب و نماز شب. علیکم بقرائه القرآن! بر شما باد به قرائت قرآن کریم با صوت حزین و با آهنگ و غنا؛ یعنی با صدای خوش بخوان که تو را تکان دهد و در روایات داریم که قرآن را با تغنی بخوانید. امام زین‌العابدین تغنی به قرآن می‌کردند، این تغنی در قرآن برای انسان بسیار مفید است. به طور کلی غنای صوتی حرام است و این اصلاً در تحت غنای حرام نیست؛ زیرا غنای حرام آن است که انسان را به سوی لهو و لعب بکشاند.

بر تو باد زیارت مشهد اعظم در هر روز! (که منظور از مشهد اعظم امیرالمؤمنین (ع) است، چون مرحوم قاضی در نجف بوده‌اند) و زیارت مساجد معظمه! (که منظور کوفه و سهله است) و در بقیه مساجد عبادت خود را به جا آورید! چون مؤمن در مسجد مثل ماهی است در آب؛ همان طوری که حیات ماهی به آب است، حیات مؤمن هم در مسجد است؛ ماهی را از آب بیرون اندازند، می‌میرد. بعد از نمازهای واجب تسبیح حضرت صدیقه طاهره (س) را ترک نکنید! زیرا که آن ذکر کبیره شمرده شده و لااقل بعد از هر نماز یک بار بگویید و اگر نتوانستید دو یا سه بار بگویید بهتر است. از لوازم مهم، دعا برای فرج حضرت حجت بقیه... الأعظم است در قنوت نماز وتر، و از آن گذشته در هر روز، و در جمیع دعاها برای حضرت دعا کنید. زیارت جامعه را روزهای جمعه به جای آورید! مقصود، زیارت جامعه معروف است: زیارت جامعه کبیره. قرآن که می‌خوانید، در این سه ماه از یک جزء کمتر نباشد، در هر روز یک جزء. زیارت و دیدار برادران خود را زیاد کنید! (مقصود رفقای طریق هستند) خیلی آنها را زیارت کنید و ببینید؛ زیرا اینها هستند برادران طریقی شما که در طریق و عقبات نفس و تنگناها که انسان گیر می‌کند، کمک انسان می‌کنند و نجات می‌دهند.

مطلع انوار (۲/ صص ۱۰۵ تا ۱۱۳)